

پیامدهای اصلاحات ارضی در غرب ایران (مطالعه موردی: ایلام، کرمانشاه و لرستان)

شایان کرمی^۱

چکیده

در این مقاله علاوه بر پیامدهای اصلاحات ارضی در غرب ایران به عنوان مسئله اصلی تحقیق، علل و عوامل و چگونگی اجرای برنامه اصلاحات ارضی نیز بررسی شده است. رویکرد پژوهش، کیفی بوده و داده‌ها از آرشیو ملی اسناد و منابع کتابخانه‌ای، جمع‌آوری و به روش گراند تئوری تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان داد که اجرای اصلاحات ارضی در ایران متأثر از فشار نظام سرمایه‌داری جهانی، منجر به رکود کسب و کار روستایی و رونق سرمایه‌گذاری شهری شد. حمایت دولت از سرمایه‌گذاری‌های کلان نیز دو قطبی شدن کشاورزی را در پی داشت. سلب مالکیت از زنان و گسترش مالکیت حقوقی از دیگر پیامدهای مهم اصلاحات ارضی در غرب ایران بود. تجاری شدن کشاورزی، ظهور نظام ارباب‌رعیتی مدرن، اتکای دولت به فروش نفت و بی‌نیازی از اقتصاد وابسته به زمین از عمده‌ترین علل اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران به شمار می‌رفت.

واژگان کلیدی: ایلام، کرمانشاه، لرستان، اصلاحات ارضی.

مقدمه

اصلاحات ارضی مهم‌ترین رخداد در نظام مالکیت زمین در تاریخ معاصر ایران است. برنامه اصلاحات ارضی، طی یک دهه، از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ ش. در سه مرحله به اجرا درآمد. از ابتدای دوره پهلوی دوم، فضای عمومی جامعه علیه اربابان و نظام ارباب‌رعیتی شکل گرفت؛ به گونه‌ای که اربابان، عامل بدبختی رعایا و نظام ارباب‌رعیتی، عامل اصلی عقب‌ماندگی کشور قلمداد شد. رشد خودآگاهی در میان روستاییان، درک عقب‌ماندگی و احساس وجود ظلمی که سال‌ها به عنوان مشیت الهی، طبیعی جلوه می‌کرد، بخصوص از ابتدای دوره پهلوی دوم، متوجه اربابان و نظام کهنه ارباب‌رعیتی شد. اصلاحات ارضی، اولین و مهم‌ترین اصل از اصولی بود که تحت عنوان کلی انقلاب سفید به اجرا درآمد. انقلاب سفید در واقع پیش‌دستی حکومت پهلوی برای خنثی‌سازی جنبش‌های چپ در ایران بود. در اواسط دوره پهلوی دوم، خطر وقوع انقلاب دهقانی به شدت حکومت پهلوی را تهدید می‌کرد که برای رفع آن، اصلاحاتی از بالا در لایه‌های بحران‌خیز پایین لازم بود. تعامل ناگزیر اقتصاد ایران با نظام سرمایه‌داری جهانی، دولت را مکلف به اجرای قانونی برای الغای مناسبات سنتی در بهره‌برداری از زمین کرد؛ بنابراین قدرتمندترین رکن جامعه مصمم شد برای باز کردن راه سرمایه‌داری در ایران و مرتفع ساختن خطر انقلاب دهقانی، دندان پوسیده ارباب‌رعیتی را بیرون بکشد. در دوره قاجاریه بیش از ۸۰ درصد از نیروی کار در مناطق روستایی و عشایری متمرکز بود و کمتر از ۲۰ درصد از آنها در بخش تولید (شهر) فعالیت می‌کرد. در دوره پهلوی اول، اگرچه با اجرای برنامه اسکان عشایر، بر جمعیت نیروی کار تولیدی (شهری) افزوده شد؛ اما همچنان، جمعیت غالب نیروی کار در بخش غیرتولیدی کشور (روستایی و عشایری) متمرکز بود^۱. در مقاله حاضر اصلاحات ارضی در غرب ایران بررسی می‌شود و منظور از غرب ایران، مناطق ایلام، کرمانشاه و لرستان است.

۱. در فرایند تولید، مفهوم «تبدیل» نهفته است؛ به عبارت دیگر، ستانده (کالا) چیزی متفاوت از نهاده (ماده اولیه) می‌باشد؛ اما در کشاورزی، ستانده و خروجی، همان ماده اولیه است؛ چنانکه کاشت گندم و برداشت دوباره همان گندم را نمی‌توان تولید گندم نامید؛ بلکه تبدیل گندم به نان، یک فرایند تولیدی محسوب می‌شود. ابن‌خلدون - اقتصاددان و جامعه‌شناس کلاسیک مسلمان - کشاورزی و دامپروری را به دلیل عدم نیاز به دانش و مهارت‌های تخصصی، در زمره مشاغل غیرتولیدی ذکر کرده است (ابن‌خلدون، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۶-۶۷).

طرح مسئله

اصلاحات ارضی برنامه اقتصادی کلانی بوده که آثار و نتایج متعددی داشته است. مقاله حاضر می‌خواهد پیامدهای این برنامه را در مناطقی از غرب ایران از جمله ایلام و کرمانشاه نشان دهد. مهمترین سؤالاتی که تحقیق حاضر به آنها پاسخ می‌دهد، عبارتند از: ۱. علل و عوامل اجرای برنامه اصلاحات ارضی در غرب ایران چه بود؟ ۲. اصلاحات ارضی در غرب ایران چه پیامدهایی داشته است؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات پیشین درباره اصلاحات ارضی در ایران بیشتر به روش‌های کمی انجام شده و تاکنون، به استثنای پژوهش خسرو خسروی (۱۳۶۷ ب)، تحقیق مستقل و درخور توجهی درباره اصلاحات ارضی در غرب ایران به نگارش درنیامده است. در این تحقیقات نیز داده‌های آماری متفاوتی از مقدار و مساحت زمین واگذار شده در مناطق مختلف غرب ایران ذکر شده است. آن کاترین سواينفورد لمبتون^۱ وابسته مطبوعاتی سفارت انگلستان در ایران بود که در مدت اقامت خود در ایران کتاب‌های متعددی نوشت. وی برای نگارش کتاب «اصلاحات ارضی در ایران»، به روش تحقیق میدانی، اصلاحات ارضی در کشور ما را با گشت و گذار در دهات از نزدیک بررسی کرد. در زمان تحقیق او هنوز مرحله سوم اصلاحات ارضی شروع نشده بود؛ بنابراین تنها مراحل اول و دوم (۱۳۴۱-۱۳۴۵) این برنامه را مطالعه کرد. لمبتون با تعریف و تمجید از برنامه اصلاحات ارضی، مزایای آن را در روستاها به چشم خویش دید. به نظر می‌رسد روابط سیاسی و تبلیغات دولتی در خصوص این برنامه بر پژوهش او سایه افکنده است. وی با وجود اینکه یک زن است، متوجه سلب مالکیت از زنان در روستاهای ایران نشد و این مقوله یکی از کاستی‌های مهم تحقیق او محسوب می‌شود. محمدقلی مجد (۱۹۹۳) در مقاله «خرده‌مالکان و تقسیم زمین در ایران^۲» می‌گوید: «سیاست تقسیم اراضی در ایران بر خلاف

1. Ann Katherine Swynford Lambton

2. Small landowners and land Distribution in Iran; 1962-71

نظر مشهور - خلع ید از عمده مالکان و اعطای مالکیت به دهقانان - سلب سلب مالکیت از چند میلیون خرده مالک شد». وی بر خلاف دیدگاهی که بر زمینداری کلان تأکید می‌کند، مدعی است بر مبنای قانون ارث‌بری در اسلام، نظام مالکیت زمین در ایران بر خرده مالکی استوار بوده است. خسرو خسروی کتاب‌های متعددی در زمینه کشاورزی و مطالعات روستایی در ایران دارد. کتاب «بررسی نتایج اصلاحات ارضی در نه استان» از تحقیقات ارزشمند وی است. او بر مبنای اسناد اصلاحات ارضی و تحقیق میدانی، داده‌های نسبتاً دقیقی از میزان و مقدار اراضی واگذار شده به دهقانان در مناطق کرمانشاه، لرستان و سایر استان‌ها را ارائه کرده است. تحلیل اریک هوگلاند از اصلاحات ارضی در ایران در کتاب «زمین و انقلاب در ایران» نتیجه یک تحقیق میدانی است. او می‌گوید: «اصلاحات ارضی یک برنامه شکست خورده بود که با انتقال مالکیت به کشاورزان، در مناسبات ارباب‌رعیتی و پیشاسرمایه‌داری روستایی تغییری ایجاد نکرد». ایرادی که بر تحقیق ارزشمند هوگلاند وارد است این است که وی متأثر از تحقیقات جواد صفی‌نژاد، بینه را به عنوان شکل غالب نظام بهره‌برداری از زمین در سراسر ایران فرض نموده و پیامدهای اصلاحات ارضی را بر نظام بینه تحلیل کرده است. محمدرضا سوداگر، نویسنده‌ای چپ‌گرا بود. کتاب‌های «نظام ارباب‌رعیتی در ایران»، «رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی)» و «رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله گسترش)» از آثار ارزشمند وی هستند. سوداگر اصلاحات ارضی را به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین برنامه‌هایی که در تاریخ ایران به مرحله اجرا درآمده، ستوده است؛ اما چون نتایج اصلاحات ارضی در جهت تأمین منافع سرمایه‌داری عمل می‌کرد، در مجموع نسبت به آن بدبین بود.

تفاوت تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین در این است که تحلیل جدیدی را از اهداف و پیامدهای اصلاحات ارضی ارائه می‌دهد. در تمام تحقیقات پیشین، کشاورزی در ایران به شکل سنتی، فعالیتی تولیدی فرض شده است؛ اما تحقیق حاضر تأکید می‌کند که کشاورزی ماقبل اصلاحات ارضی به عنوان بهره‌برداری از منابع طبیعی، فعالیتی غیرتولیدی به شمار می‌رفته و یکی از اهداف اصلاحات ارضی، رونق بخشیدن به بخش تولیدی اقتصاد از طریق تبدیل نیروی کار غیرتولیدی متمرکز در مناطق روستایی و عشایر به نیروی کار



مولد شهری بوده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر، کیفی و از نوع گراند تئوری^۱ با رویکرد اشتراس^۲ و کوربین^۳ است. تئوری زمینه‌ای در سال ۱۹۶۷م. توسط دو جامعه‌شناس به نامهای بارنی گلاسر^۴ و آنزلم^۵ اشتراس، به منظور ارائه چهارچوبی برای فهم تجربه‌های بیماران در حال مرگ، کشف و در کتاب معروف آنها با عنوان «کشف نظریه زمینه‌ای»^۶ منتشر شد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۳). در تعریف آنها تئوری زمینه‌ای یعنی کشف نظریه از داده‌های واقعی که در جریان تحقیق اجتماعی گردآوری شده‌اند (گلاسر و اشتراس، ۱۹۶۷: ۱). این نظریه، وامدار دو سنت فکری علوم اجتماعی؛ یعنی کنش متقابل نمادین^۷ و پراگماتیسم^۸ است (کوربین، ۲۰۱۷: ۳۰۱). در روند تئوری زمینه‌ای، محقق پیش فرض‌ها را در هم می‌شکند و از عناصر قدیمی نظمی نو می‌آفریند (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۷).

روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای بود. در ابتدا داده‌های اسناد به شکل جمله‌های ساده و روان، بازنویسی، عبارت‌بندی و کدگذاری شد و تجزیه و تحلیل و کدگذاری باز^۹ در حین جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت. پس از تحلیل اسناد، داده‌ها به حالت اشباع و تکرار رسیدند و ادامه گردآوری متوقف شد. در سطح اول کدبندی، کدها بر حسب مشابهت در سطح بالاتری از مفاهیم انتزاعی تقلیل یافتند و ۱۸۰ مفهوم اصلی ساخته شد و در سطح دوم کدبندی یا کدبندی محوری^{۱۰}، ۷۵ مقوله عمده شکل گرفت. در مرحله سوم یا کدبندی گزینشی^{۱۱} نیز ۸ تم اصلی ساخته شد.

1. Grounded Theory
2. Strauss
3. Corbin
4. Barney Glaser
5. Anselm S.
6. Discovery Grounded Theory
7. Symbolic interaction
8. Pragmatism
9. Open Coding
10. Axial Coding
11. Selective Coding



روند تجزیه و تحلیل داده‌ها تا اشباع نظری^۱ و مفهومی ادامه داشت و در نهایت شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و راهبردها و پیامدهای پدیده مشخص شد.

یافته‌های تحقیق

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، مقولات به دست آمده به تفکیک شرایط علی، شرایط میانجی، راهبردها و پیامدهای پدیده دسته‌بندی می‌شود. در جدول شماره (۱) مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده و در شکل شماره (۱) مدل پارادایمی پدیده اصلاحات ارضی در غرب ایران قابل مشاهده است.

جدول شماره (۱). مفاهیم، مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته استخراج شده

ردیف	تعداد مفاهیم عمده	تعداد مقوله‌های عمده	تم
۱	۲۲	۸	فشار سرمایه‌داری
۲	۲۸	۱۲	شورش کشاورزان
۳	۲۵	۱۱	ارباب‌رعیتی مدرن
۴	۲۱	۹	دوقطبی شدن کشاورزی
۵	۲۲	۱۰	تبدیل کار رعیتی
۶	۲۴	۸	ماشینی شدن کشاورزی
۷	۲۰	۱۰	گسترش مالکیت حقوقی
۸	۱۸	۷	سلب مالکیت از زنان

1. Theoretical Saturation



شکل شماره (۱). مدل پارادایمی پدیده اصلاحات ارضی در غرب ایران

شرایط علی

در روند تجزیه و تحلیل داده‌ها، «تجاری شدن کشاورزی»، «گذار از زمینداری»، «ظهور نظام ارباب‌رعیتی مدرن»، «فشار سرمایه‌داری»، «توسعه شهرنشینی»، «نفت» و «بازدهی پایین» عمده‌ترین مقوله‌های شرایط علی بود.

تا قبل از مشروطه، زمینداری (بزرگ مالکی) در قالب تیول، شکل مسلط نظام بهره‌برداری از زمین در غرب ایران بود. در حد فاصل جلوس ناصرالدین شاه تا مشروطه، به عنوان دوره همبستگی اقتصاد داخلی ایران و تعامل و جذب شدن در اقتصاد سلطه‌جوی جهانی، نظام زمینداری به طور جدی متحول شد (اشرف، ۱۳۶۱: ۷) عامل تغییر، آن بود که بخش کشاورزی، عهده‌دار وظیفه تازه‌ای شد و آن تولید محصولات برای پاسخ به نیاز بازارهای جهانی بود (شکوری، ۲۰۰۱: ۴۶). تجاری شدن کشاورزی، نظام زمینداری در ایران را دستخوش تغییر و تحول کرد. الغای تیول و واگذاری زمین‌های خالصه به بخش خصوصی، زمینه‌ساز گسترش بهره‌برداری‌های خرده‌مالکی و تغییر نظام زمینداری (مالکیت بزرگ) به مالکیت زمین (مالکیت خورد) شد (عبداللهیان، ۱۳۹۲: ۲۱۲؛ لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۳۱-۳۳۳؛ نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۱۹۲).

در دوره پهلوی اول، طبقه نوخاسته‌ای از بازرگانان، مقاطعه‌کاران، نظامیان، اعضای دستگاه جدید کاغذبازی و به اصطلاح «بوروکراسی» به عنوان مالکان جدید، جای مالکان سنتی را گرفتند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۵۹). جایگزینی نخبگان

اداری و متخصص جدید به جای سیاستمداران کهنه کار قدیمی، تغییر مهمی بود که در ترکیب طبقاتی اقشار مسلط جامعه در پایان دوره پهلوی اول تثبیت شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۷۶). از کودتای ۱۲۹۹ تا انقلاب ۱۳۵۷ ش. اقلیت نخبگان اداری جدید به قدرتی بلامنازع تبدیل شدند. هرچند این نخبگان به لحاظ تعداد اندک بودند؛ اما نقشی محوری در تحولات اجتماعی و توسعه اقتصادی ایران در دوره پهلوی داشتند (همان: ۷۹). ارتباط با غرب، تحصیلات دانشگاهی و نمایندگی جلوه‌ها و مظاهر تمدن غربی از ویژگی‌های اربابان در نظام ارباب‌رعیتی مدرن به شمار می‌رفت (رواسانی، بی تا: ۶۹). دولت و قانون هسته اصلی نظام ارباب‌رعیتی مدرن بود و اصلاحات ارضی به اتکای آن به اجرا درآمد.

اجرای برنامه اصلاحات ارضی گزینه‌ای سیاسی بود که از خارج از جامعه سیاسی ایران سرچشمه می‌گرفت (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۲۱۵). نیروی پیش‌برنده این برنامه، زائیده دو اندیشه اسطوره‌ای بود: اول، انقلاب دهقانی قریب‌الوقوع و دوم، اجتناب‌ناپذیری انجام اصلاحات ارضی برای توسعه سرمایه‌داری (همان: ۲۰۹). آمریکا به بهانه خطر کمونیسم و در اصل به منظور توسعه سرمایه‌داری، شاه ایران را برای اجرای برنامه اصلاحات ارضی تحت فشار گذاشت (همان: ۲۱۰)؛ بنابراین، قدرتمندترین رکن جامعه برای تغییر نظام زمینداری، مطابق با خواسته قدرتمندان جهانی وارد عمل شد (اشرف، ۱۳۶۱: ۷)؛ چراکه جهان سرمایه‌داری، سیستم بسته اقتصادی و کشاورزی ماقبل سرمایه‌داری را مانع گسترش فعالیت‌های سرمایه‌داری می‌دانست (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۹: ۱۴۵). زنده‌دل (۱۳۶۰: ۳۴) می‌گوید: اصلاحات ارضی ایران اصلاحاتی بود با انگیزه گسترش و تحکیم مناسبات سرمایه‌داری و به نفع سرمایه‌داری بزرگ داخلی و خارجی صورت گرفت.

سرشماری بین سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۷ ش. نشان می‌دهد در حالی که جمعیت عمومی ایران ۳۲ درصد افزایش داشت، جمعیت روستایی تنها با ۵ درصد افزایش از ۱۵/۳ به ۱۶ میلیون نفر رسید (هوگلاند، ۱۹۸۱: ۱۹). جمعیت شهر کرمانشاه از ۱۸۷۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۲۹۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت (همان: ۲۰۹) و در همین فاصله زمانی، جمعیت خرم‌آباد از ۵۹۰۰۰ نفر به ۱۰۴۰۰۰ نفر رسید (همان). در ایلام و سنندج نیز وضعیت به همین منوال بود.



یکی از دلایل مهم برای اجرای برنامه اصلاحات ارضی در ایران، جایگزینی نفت به جای اقتصاد مبتنی بر کشاورزی در تولید ملی بود؛ بنابراین، دولت به عنوان بزرگترین ارباب کشور که منبع پردرآمد دیگری در دست داشت، تحت فشارهای خارجی راضی شد از زمین چشم‌پوشی کند (مقدم، ۱۹۷۲: ۱۶۰). به فاصله کوتاه چند سال پس از پایان اصلاحات ارضی (۱۳۵۱-۱۳۵۵ ش.) تقریباً اقتصاد ایران منحصر به فروش نفت شد (هوگلاند، ۱۹۸۱: ۱۹) و اقتصاد نفتی به گونه‌ای چشمگیر سبب نابرابری شهر و روستا گردید. رونق شهرها در مقابل رکود روستاها نیز منجر به بروز خصومت و دشمنی با شهرها شد (العطاس، ۱۹۹۳: ۴۸۶).

کشاورزی در دوره پهلوی به تنهایی جوابگوی هزینه‌های زندگی نبود و یک اکراه عمومی برای سرمایه‌گذاری در کشاورزی وجود داشت (هوگلاند، ۱۹۸۱: ۱۶). از آغاز دوره پهلوی اول به دلیل رکود کشاورزی، کار رعیتی کشاورزان به دنبال محلی دیگر برای عرضه بود؛ برای نمونه، در سال ۱۳۰۱ ش. حدود ۳۰۰۰۰ نفر در جاده کرمانشاه به تهران مشغول کار بودند (نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۱۹۲). از ابتدای دوره پهلوی دوم نیز حقوق و دستمزد کارگران صنعت و ساختمان دو برابر شد؛ یعنی یک کارگر راه‌سازی، سالانه حدود ۳۵۰۰ ریال درآمد داشت؛ در حالی که درآمد سالانه یک رعیت کشاورز بین ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ ریال بود (ساکما^۱، ۲۴۰/۱۰۶۱۲، برگ ۲). اصلاحات ارضی، زمین و کار را از یکدیگر جدا کرد و در معرض خرید و فروش قرار داد (قهرمان، ۱۳۶۱: ۱۳۵).

شرایط مداخله‌گر

لغو تیول و فروش زمینهای خالصه دو گام مهم بود که بعدها زمینه را برای اصلاحات ارضی فراهم ساخت. رشد روابط سرمایه‌داری در ایران متأثر از نظام سرمایه‌داری جهانی و سیطره مناسبات ارباب‌رعیتی با شیوه‌های عقب‌مانده

۱. تعدادی از اسناد مورد استفاده در این تحقیق فاقد نسخه اسکن بوده و تاکنون منتشر نشده‌اند. شماره ثبت این اسناد در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما) و مرکز اسناد، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام) موجود است. شماره‌گذاری برگ‌های اسناد مورد نظر بنا بر ضرورت توسط نویسنده انجام شده است.



توزیع محور در اقتصاد کشاورزی ایران، ضرورت به کارگیری راه‌هایی برای تغییر در نظام بهره‌برداری از زمین را اجتناب‌ناپذیر کرد.

پدیده: پدیده مورد نظر اصلاحات ارضی در غرب ایران است.
زمینه: زمینه یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۹۸). زمینه مورد مطالعه، مناطق ایلام، کرمانشاه و لرستان بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ش. است.

راهبردها

«نقد نظام ارباب‌رعیتی»، «شورش دهقانان»، «مقاومت مالکان»، «وقف املاک»، «کشت مکانیزه»، «مرحله اول اصلاحات ارضی / فروش»، «مرحله دوم اصلاحات ارضی / اجاره‌داری» و «مرحله سوم اصلاحات ارضی / تقسیم» مهمترین مقوله‌های راهبردی بود.

در دوره پهلوی دوم تحت تأثیر جریان‌های سیاسی جهانی یک ذهنیت منفی عمومی در جامعه علیه اربابان به عنوان عوامل تحجر و واپسگرایی شکل گرفت (عمید، ۱۳۸۱: ۱۰۵). در مناطق ایلام و کرمانشاه، ارباب که در گذشته‌ای نه چندان دور با عناوینی چون «عالیجاه»، «چاکرنواز» و «رعیت‌پرور» خطاب می‌شد؛ در آستانه اصلاحات ارضی به «ارباب ظالم» و «فئودال خونخوار» تبدیل شد (ساکما، ۲۹۶/۵۴۷، برگ ۱؛ ۲۳۰/۴۲۴۲، برگ ۲۶-۳۷).

در سال ۱۳۲۵ش. شعبه‌ای از حزب توده در کرمانشاه با عنوان «اتحادیه کارگران و دهقانان غرب» تشکیل شد (همان، ۲۹۰/۶۸۰۶، برگ ۱۱) که هدف آن تهیج و شوراندن کشاورزان علیه مالکان بود. در مناطق کرد، کلیایی و ... کشاورزان نه تنها از پرداخت بهره مالکانه استنکاف نمودند؛ بلکه خانه‌های اربابان را نیز غارت کردند (همان، ۲۹۰/۸۳۱۹، برگ ۲-۱۲). با شروع اصلاحات ارضی، نظم روستاها به هم خورد و رعایا از پرداخت بهره مالکانه سر باز زدند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۱۳). خشم کشاورزان در مرحله دوم اصلاحات ارضی، متوجه اربابان بود؛ زیرا معتقد بودند نظام اجاره‌داری به ضرر آنهاست و اربابان با دست بردن در قانون، دولت را مجبور کرده‌اند تا نظام اجاره‌داری را بر آنها تحمیل کند (همان: ۱۳۰). تعدادی از رعایای کشاورز از جمله در روستای

ماژین از توابع دره شهر در منطقه ایلام با اخراج مالکان مدعی شدند که در سال‌های گذشته هیچگونه بهره مالکانه‌ای پرداخت نکرده‌اند و ملک در تصرف خود کشاورزان بوده است (ساکما، ۲۳۰/۸۱۸).

در سال ۱۳۲۵ش. عمده مالکان کرمانشاه و خوانین کلیایی، «اتحادیه کرمانشاهان و ایلام و عشایر غرب» را در مقابل اتحادیه کارگران و دهقانان غرب تشکیل دادند (همان، ۲۹۰/۶۸۱۳، برگ ۳-۷) که هدف آن مبارزه با حزب توده و مقاومت در برابر تحریکات دهقانان بود.

طبق بند ۶ ماده دوم قانون اصلاحات ارضی، تمام زمین‌هایی که از طریق کشت مکانیزه و به دور از مناسبات ارباب‌رعیتی، مورد بهره‌برداری واقع شده بود از تقسیم معاف شد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۱۷). بسیاری از مالکان با رشوه دادن به مأموران دولت، املاک خود را در ردیف زمین‌های مکانیزه ثبت نمودند و احتمالاً با خریداری یک دستگاه تراکتور اعلام کردند که روستاهای آنان قبل از قانون اصلاحات ارضی، مکانیزه بوده و از تقسیم مستثنی است (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۱۸؛ لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۰۱). مالکانی که با دولت در ارتباط بودند با آگاهی از برنامه‌های اصلاحات ارضی، قبل از اجرای برنامه، کشاورزان صاحب نسق را از زمین‌های ده، اخراج و زمین‌ها را به کشت مکانیزه تبدیل کردند!

قانون اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۳۳۹/۲/۲۶ش. به تصویب رسید (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۱۲۹). بر اساس قانون اولیه، حداکثر حدود مالکیت برای هر شخص در تمام کشور در مجموع ۴۰۰ هکتار زمین آبی یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم، اعم از آیش و زیرکشت، تعیین شد و در قانون اصلاحی، حدود مالکیت به یک ده شش‌دانگ تغییر یافت (همان: ۸). در ابتدا سهم هر خانوار یک ده شش‌دانگ تعیین شد؛ اما بر اساس تبصره شورای اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۳۴۲/۶/۳ هر کدام از فرزندان یک خانوار می‌توانستند در حد یک ده شش‌دانگ مالکیت داشته باشند (همان). یکی از موارد بی‌عدالتی

۱. برای نمونه، در قریه سلطان‌آباد کنگاور، «صاری اصلان»، از مالکان منتفذ، تعدادی از رعایای کشاورز را اخراج کرد (ساکما: ۲۳۰/۳۹۰۸). در سال ۱۳۴۵ش. نیز مالک قریه «چشم گیلان» به همراه حدود ۲۰۰ نفر از سایر خورده‌مالکان منطقه، با استفاده همزمان از ۳۰ دستگاه تراکتور، ۵۰ خروار از «محصول سبز» رعایای مستأجر را شخم زدند (کمام: ۳۴۰۴۳).



در تقسیم زمین، مالکیت با معیار «دانگ» بود که به عنوان واحد اصلی مورد استفاده در تعیین مالکیت، بر هیچ مساحت معینی دلالت نمی‌کرد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۹۸). شعار مرحله اول اصلاحات ارضی، «فقط یک ده برای یک مالک» بود (میرحیدر، ۲۵۳۵: ۲۷)؛ ولی مشخص نبود منظور از «یک ده» چند هکتار زمین است. همین گونه، بر اساس حق نسق، سهم رعیت نیز مشخص نبود؛ بنابراین، هر کشاورز نیز تا یک ده شش‌دانگ، می‌توانست مالک شود. نابرابری در تقسیم زمین به حدی بود که در یک ده، به یک کشاورز ۱۰۰ هکتار و به کشاورزی دیگر تنها ۲ هکتار زمین واگذار شد (مؤمنی، ۱۳۵۹: ۲۵۱). عمده مالکان کرمانشاه (۴۷ نفر) مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی بودند که از یک تا بیش از صد دهکده را به صورت شش‌دانگ در تملک داشتند^۱ (ساکما: ۲۴۶۴/۲۹۳).

در مرحله دوم اصلاحات ارضی، دولت دیگر خریدار مستقیم زمین از مالکان نبود و با افزودن موادی به قانون اصلاحات ارضی، پنج راه پیش پای مالکان نهاد: اول، عقد قرارداد رسمی اجاره بین مالک و کشاورز؛ دوم، فروش املاک توسط خود مالک به کشاورزان؛ سوم، تقسیم زمین بین مالک و کشاورز به نسبت بهره مالکانه؛ چهارم، تشکیل واحد سهامی زراعی بین مالک و کشاورزان و پنجم، خرید حق ریشه کشاورزان از سوی مالکان (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۱۲). اکثریت مالکان در مرحله دوم اصلاحات ارضی، گزینه اجاره را انتخاب کردند (همان: ۱۳۰). در این مرحله، نظام مزارعه حذف شد و بهای نقدی جای آن را گرفت (سوداگر، ۱۳۷۸: ۴۹). در مورد املاک موقوفه نیز به دو صورت عمل شد: اول، املاک موقوفه عام به اجاره ۹۹ ساله به صورت نقدی به کشاورزان همان موقوفه واگذار شد؛ دوم، املاک موقوفه خاص از طرف دولت خریداری و بین کشاورزان تقسیم شد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۶۹). در مرحله دوم، بر حق نسق کشاورزان بیش از پیش تأکید گردید و به کشاورزان صاحب نسق اطمینان داده شد که کار کشاورزی خوش‌نشین‌ها یا کارگران کشاورزی،

۱. عبدالحسین پور ابوقداره از عمده مالکان کرمانشاه و ایلام در مرحله اول اصلاحات ارضی ۱۱۸۰۴ هکتار از زمین‌های منطقه هلیلان را به اداره اصلاحات ارضی واگذار کرد. در سال ۱۳۴۱ ش. اسناد مالکیت ۱۹۲۳ کشاورز منطقه هلیلان به دست محمدرضاشاه به نمایندگان کشاورزان تحویل داده شد (ساکما: ۲۳۰/۶۲۲). سرانه یک خانوار کشاورز در منطقه هلیلان، حدود ۱۰ هکتار زمین آبی و دیم بود (همان).

به لحاظ نسق، حقی برای آنها ایجاد نخواهد کرد (همان: ۱۲۷).

قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعان مستأجر، مرحله سوم اصلاحات ارضی، در تاریخ ۱۰/۲۳/۱۳۴۷ ش. به تصویب رسید؛ در واقع، مرحله سوم اصلاحات ارضی بر مبنای این تفکر شکل گرفت که بهره‌وری در تولید پایین است و تنها راه رشد اقتصاد کشاورزی، مکانیزه کردن کشت می‌باشد. چون در مرحله دوم، گزینه اجاره توافق شده بود و مالکان همچنان غایب بودند، دولت تصمیم گرفت مالکان غایب را وادار کند تا زمین‌ها را به کشاورزان واگذار کنند تا با هزینه شخصی آنها را مکانیزه کنند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۳). تمام مالکینی که املاک خود را به اجاره واگذار کرده یا مالکینی که در املاک خود شرکت سهامی زراعی تشکیل داده بودند؛ همچنین مالکین مشمول مرحله دوم اصلاحات ارضی که تا مرحله سوم از واگذاری یا اجاره زمین خودداری کرده بودند، مشمول مرحله سوم اصلاحات ارضی شدند (ساکما: ۹۱۲۹۳۲۳۲۴) که در این مرحله مالکان دو گزینه انتخاب داشتند: ۱. فروش ملک به کشاورزان؛ ۲. تقسیم ملک به نسبت بهره مالکانه با رضایت کشاورزان. خورده مالکان طی دادخواست‌های متعددی به مجلس شورای ملی، مراتب ناخرسندی خویش را از مرحله سوم اصلاحات ارضی اعلام کردند. در این مرحله، کشاورزان مستأجر حق داشتند زمین را به اقساط ۱۲ ماهه از مالکان خریداری کنند و در صورت توافق و رضایت کشاورز، زمین بین وی و مالک تقسیم میشد. بدیهی بود که کشاورزان حاضر به تقسیم نبودند و اکثریت کشاورزان مستأجر در این مرحله زمین‌های مورد اجاره را به رغم نارضایتی مالکان خریداری کردند (کمام: ۴۳۰۳۰). هوگلاند (۱۳۸۱: ۱۳۹) می‌گوید: «در مرحله سوم حدود ۸۰۰۰۰۰۰ مستأجر توانستند مالک زمین شوند». پس از پایان اصلاحات ارضی همچنان حدود ۲۰۰۰ نفر، مالک ۶/۵ میلیون هکتار زمین بودند و بین ۲۰ تا ۵۰ هکتار ملک در اختیار داشتند (همان: ۱۵۰). از مجموع ۲۳۰۹ ده و مزرعه در لرستان، ۱۶۰۷ ده و مزرعه، مشمول قوانین اصلاحات ارضی و در مجموع، ۳۳۱۳۳۰ هکتار زمین به ۶۲۶۳۳ کشاورز واگذار شد؛ در حالی که در شهرستان خرم‌آباد به یک دهقان، تنها ۲۵۰ متر زمین و در دلفان به دیگری، ۷۵۰ هکتار زمین تعلق گرفت (خسروی، ۱۳۶۷: ۱۴۲-۱۴۳)؛ همچنین، از مجموع ۲۷۲۶ ده و مزرعه در کرمانشاه، ۲۶۶۴ ده و مزرعه مشمول



اصلاحات ارضی شد و در مجموع، ۶۲۹۲۹۳ هکتار زمین به ۷۸۰۷۳ کشاورز واگذار گردید (ر.ک: همو، ۱۳۶۷ ب). در کرمانشاه، مساحت زمین واگذار شده به کشاورزان از ۴۰۰ متر مربع در قصر شیرین تا ۱۶۷ هکتار در اسلامآباد نوسان داشت (همان: ۱۶۹). طبق آمار مجد (۱۹۹۳: ۴۴۹)، پس از پایان اصلاحات ارضی در کرمانشاه ۷۸۰۸۳ نفر مالک زمین شدند و ۵۹۵۳۲ هکتار زمین آبی و ۵۶۹۷۶۷ هکتار زمین دیم (در مجموع ۶۲۹۲۹۹ هکتار زمین آبی و دیم) بین آنها تقسیم شد که متوسط سهم هر یک از کشاورزان، ۸/۰۶ هکتار زمین بوده است. در لرستان نیز ۱۰۳۰۰۲ هکتار زمین آبی و ۲۲۸۳۲۹ هکتار زمین دیم بین ۶۲۶۳۱ کشاورز تقسیم شد که متوسط سهم هر کشاورز ۵/۲۹ هکتار زمین بوده است. به لحاظ متوسط زمین دریافتی در بین استان‌های کشور، همدان با ۸/۹۰ هکتار و کرمانشاه با ۸/۰۶ هکتار در صدر جدول اصلاحات ارضی و استان‌های گیلان و مازندران به ترتیب با ۱/۱۰ و ۱/۵۰ هکتار در قعر این جدول قرار دارند (همان: ۴۴۹).

پیامدها

«سقوط نظام ارباب‌رعیتی»، «سلب مالکیت از زنان»، «دو قطبی شدن کشاورزی»، «تبدیل کار رعیتی»، «ماشینی شدن کشاورزی»، «گسترش مالکیت حقوقی»، «مهاجرت» و «انقلاب» عمده‌ترین پیامدهای پدیده اصلاحات ارضی در غرب ایران بود. بزرگترین دستاورد اصلاحات ارضی، سقوط نظام ارباب‌رعیتی و تبدیل کار بود. این برنامه در عمل طبقه زمیندار قدیمی و مناسبات ارباب‌رعیتی سنتی در روستا را از میان برد و به نقش میانجی‌گری زمینداران بین دولت و رعایا و واسطه‌گری کدخدایان و مباشران بین رعایا و مالکان خاتمه داد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۷۷).

تا قبل از اصلاحات ارضی، بخش عمده‌ای از زمین‌های کشاورزی غرب ایران در مالکیت زنان بود و اربابان و مالکان زن نقش ویژه‌ای در تحولات نظام مالکیت زمین در غرب ایران داشتند (رحمانیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۶). طبق ماده هفدهم قانون اصلاحات ارضی، مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ ش. مبنای سهم‌بندی و



دریافت زمین بین کشاورزان، «نسق زراعتی^۱» بود (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۴۲؛ هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۰۸). نسق، شناسنامه یک کشاورز بود و کسانی که حق نسق نداشتند، کشاورز محسوب نمی شدند. بدیهی است عدم اشتغال به کشاورزی به منزله بیرون بودن از نظام نسق بندی است. نظام نسق بندی در روستاهای ایران، مردسالار بود و زنان حق نسق نداشتند. در مرحله سوم اصلاحات ارضی از حدود ۵۰۰۰۰۰ مالک زن، سلب مالکیت شد (کرمی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۱۵).

پیامد مستقیم اصلاحات ارضی، دو قطبی شدن کشاورزی در ایران بود. بهره برداری های بزرگ و سرمایه داری در یک قطب و بهره برداری های خرد و خانگی در قطب دیگر قرار گرفت (اشرف، ۱۳۵۲: ۴۴-۴۷). قانون توسعه کشاورزی در قطب های آب و خاک با هدف توسعه کشاورزی سرمایه داری و اختصاص امکانات رایگان برای بهره برداری های بزرگ، واحدهای کوچک تولید کشاورزی را نادیده گرفت (مؤمنی، ۱۳۵۹: ۲۵۶). اصلاحات ارضی که در مرحله اول با هدف تهدید و شکستن مالکیت های کلان به اجرا درآمد پس از مرحله سوم با وضع قانون قطب های کشاورزی، به سمت تقویت مالکیت های کلان تغییر جهت داد و دهقانان منفرد را نادیده گرفت. تمام امکانات دولت، اعم از برق، استفاده از آب سدها و غیره نیز برای قطب های کشاورزی کلان رایگان شد^۲ و هرگونه مالکیت خرد در حوزه قطب های کلان می بایست به نفع واحدهای بهره برداری بزرگ برچیده می شد (همان).

رعیت بیشتر بر جمعیت ساکن در مناطق روستایی و عشایری اطلاق می شد و نیروی کار رعیتی، غیرمولد و مصرف کننده بود. تا قبل از اصلاحات ارضی،

۱. نسق عبارت است از مقدار زمین های تحت تصرف یک کشاورز و عملکرد عمرانی وی برای آباد کردن زمین. در قانون اصلاحات ارضی، نظام نسق بندی عرفی و معمول در دهات به همان شکل سابق پذیرفته شد و جز در مواردی که ضرورت داشت، در بقیه روستاها نسق بندی جدیدی به وجود نیامد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۴۲).

۲. در تاریخ ۱۳۴۷/۷/۱۰ اساسنامه سازمان عمران ماهیدشت و پل ذهاب به تصویب هیئت وزیران رسید. سازمان مذکور از بدو تأسیس تا سال ۱۳۵۱ ش. مبلغ ۱۲۵۲۳۹۲۶۴ ریال را در مناطق ماهیدشت و سر پل ذهاب به منظور توسعه کشاورزی و امکانات جانبی هزینه کرد. برقرسانی، ساختمان سازی، توسعه شبکه آبیاری، توسعه خطوط تلفن، تجهیز زمین های دیم به موتور پمپ آب و غیره از جمله کارهای عمرانی سازمان عمران ماهی دشت و ذهاب بود (ساکما: ۲۲۰/۴۲۴۱؛ ۲۲۰/۴۶۴۹).



دولت به عنوان عمده‌ترین توزیع‌کننده زمین و آب (منابع طبیعی) در طرف عرضه و جامعه (رعایا) به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده منابع طبیعی در طرف تقاضا جای می‌گرفت. کشاورزی و دامپروری به شکل سنتی، فعالیت‌هایی غیرتولیدی و بهره‌برداری از منابع طبیعی و نیروی کار متمرکز در مناطق عشایری و روستایی، جمعیتی غیرمولد محسوب می‌شد. از دیرباز، تولید در ایران بیشتر در مناطق شهری متمرکز بود و هر یک از شهرها در یک یا چند صنعت (تولید) خاص معروف بودند. یکی از اهداف اصلاحات ارضی، تبدیل نیروی کار غیرمولد (رعیتی) به نیروی کار مولد (کارگری) بود. کار رعیتی به صورت مستقل، قابلیت عرضه نداشت و در طرف تقاضا تابع سرمایه بود. با انجام اصلاحات ارضی، از جمعیت رعیت در طرف تقاضا فرو کاست و بر جمعیت کارگر در طرف عرضه افزوده شد (کرمی، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۹).

پس از اصلاحات ارضی، استفاده از نیروی ماشین‌آلات، بخصوص در امور آبیاری به سرعت توسعه یافت (عجمی، ۱۳۵۲: ۴۴). مهمترین سیاست ترویج کشاورزی ماشینی، تأمین وام کم‌بهره برای خرید ماشین‌های کشاورزی بود (فلاح، ۱۳۶۱: ۹۶). استثنای قانون اصلاحات ارضی برای زمین‌های مکانیزه نیز یکی از عوامل ماشینی شدن کشاورزی به شمار می‌رفت.

پس از اصلاحات ارضی، نظام مالکیت ارباب حقوقی در قالب تعاونی‌های تولید، شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت جایگزین نظام مالکیت ارباب حقیقی شد. طبق تبصره یک ماده نوزدهم قانون اصلاحات ارضی، شرکت‌های تعاونی روستایی مختار بودند بنا بر تشخیص و مصلحت شرکت، زمین واگذاری شده را از کشاورزان پس بگیرند (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۴۴). در نظام مالکیت حقوقی، ارتباط کشاورزان با زمین و مالکیت آنها محفوظ بود؛ اما نقش مدیریتی آنان بسیار کم‌رنگ و تنها در سطوح میانی و پایین بود (ساکما: ۲۲۰/۴۷۰۷، برگ ۶). در نظام حقوقی بهره‌برداری از زمین، کشاورزان بازیچه دست هیئت مدیره شرکت‌ها شدند و بهره‌وری به شدت کاهش یافت. در استان ایلام، یک شرکت سهامی زراعی در ۲۳ روستا تشکیل شد که در مجموع ۵۸۰۱ هکتار زمین در تملک آن قرار گرفت. در لرستان نیز ۵ شرکت سهامی زراعی در ۲۹ روستا با سطح زیر کشت ۱۸۲۷۸ هکتار زمین تأسیس شد. الگوی این شرکت‌ها، ترکیبی از تعاونی کشورهای

سوسیالیستی و بعضی از کشورهای سرمایه‌داری بود. پس از انقلاب اسلامی نیز این شرکت‌های ناکارآمد منحل شدند (زنده‌دل، ۱۳۶۰: ۴۵). پس از اصلاحات ارضی، شرکت‌های «چشمه‌ماهی»، «خورده چشم»، «سرخه لیجه»، «گوران»، «پشت تنگ»، «شهبازوند» و «باغ یاسم» در منطقه هلیلان تأسیس شد. کشاورزان این منطقه حدود ۱۰۰۵۰۰۰ ریال در شرکت‌های مذکور سرمایه‌گذاری کردند (ساکما، ۲۳۰/۶۲۲).

یکی از اهداف اصلاحات ارضی، آزاد ساختن سرمایه‌های ارباب‌ها از محل فروش زمین بود (سوداگر، ۱۳۷۸: ۳۶). سرمایه‌مالکان از محل فروش زمین از روستاها خارج و در شهرها و مراکز صنعتی وابسته به شهر سرمایه‌گذاری شد؛ بنابراین پیامد مستقیم اصلاحات ارضی، رونق صنایع (تولید) شهری و رکود کسب و کار روستایی بود. تنها در مرحله اول اصلاحات ارضی، مجموع ۱۶۱۱۵۱ روستا به همراه ۶۴۳ مزرعه به قیمت ۱۲۸۲۸۳۵۴۰ دلار، معادل ۹۷۸۱۶۱۱۹۳۰ ریال، توسط دولت، خریداری شد و بهای آن به مالکان پرداخت گردید (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۱۹). با فرض اینکه چند برابر این سرمایه نیز در مراحل دوم و سوم از روستاها خارج و در شهرها و مراکز وابسته به شهر سرمایه‌گذاری شده باشد؛ روستاها با رکود مواجه می‌شدند. شاه ایران در آستانه اصلاحات ارضی با افتخار پیش‌بینی می‌کرد در آینده‌ای نه چندان دور (تا سال ۱۳۶۰ ش.) جمعیت روستایی ایران به ۵ تا ۶ درصد کل جمعیت کشور کاهش خواهد یافت (سوداگر، ۱۳۷۸: ۲۷۹). نراقی (۱۳۶۸: ۴۸) گفته است: اصلاحات ارضی مناسبات سرمایه‌داری را در روستاها گسترش داد؛ اما در نهایت چون صنایعی در کنار روستاها ایجاد نشد، نیروی کار اضافی روستاها به شهرها سرازیر شد و اصلاحات ارضی شکست خورد. قانون اصلاحات ارضی، حامی منافع سرمایه‌داران شهری بود (سوداگر، ۱۳۵۸: ۱۵؛ ازکیا، ۱۳۹۳: ۷۷). آمار نشان می‌دهد، به فاصله ۵ سال، پس از پایان اصلاحات ارضی، بخش قابل توجهی از جمعیت فعال اقتصادی در کرمانشاه به مشاغل فنی و صنعتی در حوزه شهری پرداختند و فعالیت‌های اقتصادی بخش کشاورزی در روستاها کاهش یافت؛ برای نمونه، از مجموع ۲۹۶۸۶ نفر جمعیت مردان در مناطق روستایی شهرستان شاه‌آباد غرب در سال ۱۳۵۵ ش. حدود ۶۰۰۰ نفر به فعالیت‌های اقتصادی در حوزه تولیدات صنعتی و مشاغل فناورانه‌ای مشغول



بودند که وابسته به مناطق شهری بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۸: ۵۷). در سال‌های نخست اصلاحات ارضی (۱۳۴۱-۱۳۴۵ ش.) جمعیت دینور کرمانشاه، ۲۴۷۵۵ نفر در ۹۹ روستا به ثبت رسیده است. به فاصله یک دهه (۱۳۴۵-۱۳۵۵ ش.) حدود ۲۴ روستا خالی از سکنه شد و جمعیت دینور به ۱۸۰۸۷ نفر کاهش یافت (سلطانی، ۱۳۷۴: ۲۱). اصلاح تقسیمات کشوری و افزایش تعداد شهرها و شهرستان‌ها از تبعات اصلاحات ارضی بود. قصر شیرین در سال ۱۳۳۵ ش. در مجموع ۹۹۰۵۲ نفر جمعیت داشت که بر اساس آمارگیری سال ۱۳۵۵ ش. با ریزشی در حدود ۳۳۰۰۰ نفر، این جمعیت به ۶۲۷۹۴ نفر کاهش یافت (همان: ۴۳). بین سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۵ ش. در حدود ۱۰۰۰ نفر به جمعیت شهری و ۱۰۰۰ نفر به جمعیت روستایی ایلام اضافه شد (سازمان برنامه و بودجه، ۲۵۳۵: ۱۶-۱۷). به فاصله یک دهه، از اواسط اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی (۱۳۴۷-۱۳۵۷ ش.)، بر اثر فشار و نابرابری روستایی و کشش و جذب شهرها، مهاجرت روستایی-شهری، ۲۲ درصد افزایش یافت که بدون شک اصلاحات ارضی مهمترین عامل آن بود (مهتدی، ۱۹۹۰: ۸۴۳). جمعیت مراکز شهری در غرب ایران، دو برابر و بسیاری از روستاها متروک شد. بخشی از مهاجران خوش‌نشینانی بودند که شانس در اصلاحات ارضی نداشتند (هوگلاند، ۱۹۷۳: ۲۳۸). اصلاحات ارضی نیروی کار غیرمولد (رعیتی) را به نیروی کار مولد (کارگری) تبدیل کرد و چون صنایع تولیدی در روستاها ایجاد نشد بخشی از نیروی کار جدید مجبور به مهاجرت به مناطق تولیدی (شهری) شد.

انقلاب اسلامی جنبشی علیه سرمایه‌داری نبود. عجمی (۱۳۵۲: ۳۳۳-۳۳۵) گفته است: روستاهای ایران سه مرحله را پشت سر گذاشته‌اند: ۱. ارباب‌رعیتی / پیشا سرمایه‌داری؛ ۲. اصلاحات ارضی / ظهور سرمایه‌داری و ۳. انقلاب اسلامی / مرگ سرمایه‌داری. در نهایت، انقلاب ۱۳۵۷ ش. ضربه نهایی را بر بخش دولتی نظام ارباب‌رعیتی مدرن وارد ساخت. خسروی (۱۳۶۱: ۵) می‌گوید: انقلاب اسلامی در ادامه اصلاحات ارضی، انقلاب سیاسی اصلاحات ارضی برای نابودی سیستم بوروکراتیک نظام ارباب‌رعیتی بود. تا قبل از اصلاحات ارضی، سیاست‌های اقتصادی کلان در راستای توزیع منابع طبیعی (زمین و آب) بین اقشار مختلف اجتماعی استوار بود؛ به عبارت دیگر، دولت در طرف عرضه،



بزرگترین توزیع کننده زمین و آب و جامعه روستایی و عشایری در طرف تقاضا، عمده ترین مصرف کننده این منابع طبیعی محسوب می شد. برای قرن ها در تاریخ ایران، سیاست توزیع زمین و آب در راستای استقرار عدالت اجتماعی در جامعه عمل می کرد. اصلاحات ارضی به معنای عدم حمایت دولت از نیروی کار مصرف کننده در مناطق روستایی و عشایری بود. یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی، بازگشت به سیاست های توزیعی و حمایتی دولت جهت تحقق عدالت اجتماعی بود.

نتیجه گیری

اصلاحات ارضی مهمترین رخداد تاریخ معاصر ایران در حوزه تحولات نظام مالکیت زمین بود و به رغم همه جنبه های عقب مانده آن، از قوانین پیشرفته ای به شمار می رفت که در ایران به اجرا درآمد. پژوهش هایی که در مورد این برنامه انجام شده است، به یک اعتبار، می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. تمجیدکنندگان اصلاحات ارضی که این برنامه را برای رهایی دهقانان از یوغ اربابان مفید دانسته اند؛ ۲. منتقدانی که اصلاحاتی ارضی را سبب بدبختی دهقانان دانسته اند.

در این دو دسته پژوهش بر طبقه دهقان، تمرکز شده و نتایج و پیامدهای اصلاحات ارضی برای طبقه مالکان به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. یکی از اهداف نزدیک اصلاحات ارضی، جایگزینی طبقه کشاورز فاقد زمین با مالکان غایب بود. برنامه مذکور، کاستی های متعددی داشت؛ به گونه ای که بر مبنای تعداد کشاورزان صاحب نسق و مساحت زمین های مورد بهره برداری، حق مالکیت برای رعایای کشاورز از نیم هکتار تا بیش از ۱۰۰ هکتار از دهی به ده دیگر نوسان داشت. در سه مرحله اصلاحات ارضی، حدود ۱۶ واحد سنجش محلی مانند: جفت، خروار، جریب، من، پا، بُنه و ... مبنای تقسیم زمین قرار گرفت. این واحدها اندازه های متفاوتی داشتند که شرایط اقلیمی هر منطقه آن را ایجاد کرده بود. برای نمونه، مساحت یک جفت زمین در ایلام و کرمانشاه با یک جفت زمین در فارس تفاوت داشت. در همان منطقه نیز اندازه یک جفت زمین آبی با یک جفت زمین دیم متفاوت بود. مزایای اصلاحات ارضی نصیب اقشار مسلط جامعه روستایی شد و جامعه ایلات و



عشایر و حتی بخش عمده‌ای از جامعه روستایی که در مناطق کوهستانی و فاقد زمین‌های مناسب کشاورزی اسکان داشتند از مزایای آن محروم ماندند. در بسیاری از روستاها، از جمله در استان ایلام، در عمل تغییر بارزی ایجاد نشد. مسئله تفکیک زارع صاحب نسق از کارگر کشاورزی و خرده‌مالک از کشاورز صاحب نسق، از ابهامات اصلاحات ارضی در غرب ایران به شمار می‌رفت. از جمله دستاوردهای برنامه مذکور، الغای نظام ارباب رعیتی، ارتقای جایگاه کشاورزان فاقد زمین به خرده‌مالک و تبدیل طبقه برزگران (نیروی کار رعیتی) به کارگران کشاورزی بود. اصلاحات ارضی، نیروی کار غیرمولد رعیتی را برای ورود به بخش تولیدی مهیا ساخت؛ اما به دلیل فقدان شرایط تولیدی در مناطق روستایی، بخشی از نیروی کار روستایی مجبور به مهاجرت به مناطق شهری شد و بخشی نیز در مناطق روستایی بیکار شدند. مسائل و مشکلاتی چون: عدم توانمندی مالی کشاورزان (خرده‌مالکان جدید) برای بهره‌برداری از زمین، بی‌عدالتی در تقسیم زمین‌ها، حذف زنان از نظام مالکیت زمین، حل نشدن مسئله ارباب غایب و مهمتر از همه فقدان شرایط تولیدی در روستاها سبب شد که اصلاحات ارضی ایران در رسیدن به اهدافش ناکام بماند. از سال ۱۳۴۱ش. تا ۱۳۴۵ش. در غرب ایران قحطی بود؛ به عبارتی، پیامد مستقیم اصلاحات ارضی، بر هم خوردن ساختار کشاورزی و قحطی محصول بود. اصلاحات ارضی، نظام سنتی کشاورزی را تغییر داد؛ بنابراین، حدود یک دهه زمان لازم بود تا ساختار جدید جایگزین نظام ارباب رعیتی شود. هدف کلی این برنامه، فراهم کردن شرایط مساعد برای رونق تولید بود؛ اما به دلیل فقدان زیرساخت‌های مناسب برای تولید، به استثنای مجتمع‌های بزرگ کشت و صنعت که با سرمایه‌گذاری کلان بخش دولتی ایجاد شدند، در سایر بخش‌های تولیدی خرد و خانگی موفقیت چندانی به دست نیامد. در ایران سیاست توزیع منابع پیوند تنگاتنگی با مفهوم عدالت اجتماعی داشت. پیامد جایگزینی سیاست‌های سرمایه‌داری (تولیدی) برای جامعه‌ای که اکثریت جمعیت آن در شرایط غیرتولیدی زندگی می‌کردند، نارضایتی اجتماعی بود. نیروی کار و توده‌های اجتماعی در انقلاب اسلامی ایران سیاست‌های حمایتی و عدالت اجتماعی را جستجو می‌کرد.



منابع و مأخذ

الف) فارسی

- ابن خلدون، عبدالرحمن؛ (۱۳۹۰)، مقدمه ابن خلدون، ج ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: الکترونیک.
- ازکیا، مصطفی؛ (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی در ایران، تهران: اطلاعات.
- اشتراس، آنزلم و جولیت کوربین؛ (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌ی مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی؛ (۱۳۸۸)، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- اشرف، احمد؛ (۱۳۵۲)، مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- _____؛ (۱۳۶۱)، مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)، تهران: آگاه.
- خسروی، خسرو؛ (۱۳۶۱)، دهقانان توانگر، تهران: میترا.
- _____؛ (۱۳۶۷ الف)، بررسی آماری وضعیت ارضی ایران در شش استان، تهران: دانشگاهی.
- _____؛ (۱۳۶۷ ب)، بررسی نتایج اصلاحات ارضی در نه استان، تهران: دانشگاهی.
- رحمانیان، داریوش، علیرضا علی‌صوفی، محمد طاهری‌مقدم و شایان کرمی؛ (۱۳۹۵)، «ظهور اربابان زن در غرب ایران»، پژوهشنامه زنان، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، ۴۷-۶۵.
- رواسانی، شاپور؛ (بی تا)، دولت و حکومت در ایران، تهران: شمع.
- زنده‌دل، حسن؛ (۱۳۶۰)، نظام ارضی در روستای ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه؛ (۲۵۳۵)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن بر اساس ۵ درصد نمونه استان ایلام، تهران.
- سلطانی، محمدعلی؛ (۱۳۷۴)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل



- کرمانشاهان، ج ۴، تهران: سها.
- سوداگر، محمدرضا؛ (۱۳۵۸)، بررسی اصلاحات ارضی، تهران: پازند.
- _____؛ (۱۳۷۸)، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله گسترش) ۱۳۴۴-۱۳۵۷، تهران: فرزین.
- عبداللهیان، حمید؛ (۱۳۹۲)، مفهوم‌پردازی واقعیت در جامعه‌شناسی تاریخی: نظام ارباب غایب در ایران، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و علیرضا صادقی، تهران: جامعه‌شناسان.
- عجمی، اسماعیل؛ (۱۳۵۲)، شش‌دانگی، شیراز: توس.
- عمید، محمدجواد؛ (۱۳۸۱)، کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه سیدرامین امینی‌نژاد، تهران: نی.
- فلاح، سیدوحید؛ (۱۳۶۱)، مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)، تهران: آگاه.
- قهرمان، بابک؛ (۱۳۶۱)، مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)، تهران: آگاه.
- کریمی، شایان و داریوش رحمانیان؛ (۱۳۹۶)، «اصلاحات ارضی و مسئله سلب مالکیت از مالکان زن»، گنجینه اسناد، سال بیست و هفتم، دفتر دوم، تابستان، ۶-۲۱.
- _____؛ (۱۳۹۷)، «پیامدهای توزیع زمین و آب در ساخت سیاسی-اجتماعی ایران: عهد ناصری تا انقلاب مشروطه»، دولت‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۷۳-۱۰۸.
- لمبتون، آن؛ (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____؛ (۱۳۹۷)، اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه مهدی اسحاقیان، تهران: امیرکبیر.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ (۱۳۶۹)، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، شیراز: نوید شیراز.
- مجموعه اصلاحات ارضی: شامل کلیه قوانین، آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و مصوبات شورای اصلاحات ارضی؛ (۱۳۴۴)، تهران: مجلس شورای ملی.

- محمدپور، احمد؛ (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضد روش، ج ۱، تهران: جامعه‌شناسان.
- مرکز آمار ایران؛ (۱۳۵۸)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن قصر شیرین، شماره ۵۴، تهران.
- مؤمنی، باقر؛ (۱۳۵۹)، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: پیوند.
- میرحیدر، حسین؛ (۲۵۳۵)، از تیول تا انقلاب ارضی، تهران: امیرکبیر.
- نراقی، یوسف؛ (۱۳۶۸)، جامعه دهقانی و تجاری شدن کشاورزی، تبریز: رسالت.
- نوشیروانی، سیدوحید؛ (۱۳۶۱)، مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)، تهران: آگاه.
- هالیدی، فرد؛ (۱۳۵۸)، ایران: دیکتاتوری و توسعه، ترجمه علی طلوع و محسن ولیخانی، تهران: علم.
- هوگلاند، اریک؛ (۱۳۸۱)، زمین و انقلاب در ایران (۱۳۶۰-۱۳۴۰)، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: شیرازه.

ب) اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۹۶/۵۴۷؛ ۲۳۰/۴۲۴۲؛ ۲۹۰/۶۸۰۶؛ ۲۹۰/۸۳۱۹؛ ۲۹۰/۶۸۱۳؛ ۲۳۰/۳۹۰۸؛ ۲۹۳/۲۴۶۴؛ ۲۳۰/۶۲۲؛ ۹۱۲۹۳۲۳۲۴؛ ۲۲۰/۴۶۴۹؛ ۲۲۰/۴۶۴۹؛ ۲۲۰/۴۷۰۷.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۳۴۰۴۳؛ ۴۳۰۳۰.

ج) انگلیسی

- Alatas, Syed Farid, (Sep1993), "The Asiatic mode of production and the formative Turkic and Iranian state in modern times", Central Asian Survey, No. 4, V. 12, 473-496.
- Corbin, Juliet, (2017), "Grounded Theory", The journal of positive psychology, Vol.12, N.3, 301-302.



- Glaser, Barney and Anselm Strauss (1967), Discovery of Grounded Theory, Translation Publishers.
- Hooglund, Eric, (Autumn1973), "The Khushnishin Population of Iran", Iranian Studies, No. 4, V. 16, 229-245.
- Hooglund, Eric, (Sep1981), "Iran's Agricultural Inheritance", MERIP Reports, No. 99, 15-19.
- Majid, Mohammad Gholi. (Feb1993). "Small landowners and land Distribution in Iran; 1962-71", Middle East Studies, No.1, V. 32, 123-153.
- Moghaddam, Reza, (May1972), "Land Reform and rural Development in Iran", Land Economics, No. 2, V. 48, 160-168.
- Mohtadi, Hamid, (June1990), "Rural Inequality and Rural-push versus Urban-pull migration: the case of Iran, 1956-1976", World development, No. 6, V. 18, 837-844.
- Shakoori, A, (2001), the state and Rural Development in post-Revolutionary Iran, New York: Palgrave Macmillan.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی